**بررسی پیامدهای گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بر هویت فرهنگی خانواده**

**با تأکید بر جنگ نرم**

**مجتبی فتحعلی‌زاده[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

بیش از دو دهه است که ماهواره‌ها علاوه بر مأموریت‌های پیشین خود در عرصه نظامی، به شدت وارد عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده‌اند و به مثابة سلاحی راهبردی به خدمت اهداف دولت‌های برخوردار از این فناوری به‌ویژه کشورهای نظام سلطه درآمده‌اند. در این حال، تهدید هویت ملی، مذهبی، فرهنگی و خانوادگی از مباحث مهم مطرح در عرصه برنامه‌های ماهواره‌ای است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین معضل ماهواره تطابق نداشتن بسیاری از فرهنگ‌های دنیا با فرهنگ دینی و چارچوب اعتقادی ماست. در نظام سنتی، نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین کارگزار هویت فرهنگی افراد به‌شمار می‌آمد، اما با توجه به تغییرات جوامع و رشد فناوری، شاهد پیدایی رقبای جدی در کنار خانواده همچون رسانه‌‌های ارتباط جمعی در امر هویت فرهنگی افراد هستیم. در بین رسانه‌های متنوع و نوین می‌توان از ماهواره به عنوان یکی از پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها در سراسر جهان یاد کرد که امروزه نقشی مهم در رشد شخصیت افراد ایفا می‌کند. بر این اساس، مسئله اصلی مقاله حاضر توجه به چگونگی تأثیرگذاری ماهواره و تعامل آنان در بروز بحران هویت فرهنگی خانواده است. الگوی تحلیلی توصیفی، روشِ تحقیق مقالة حاضر در رسیدن به دریافت‌های پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** شبکه‌های ماهواره‌ای، خانواده، جنگ نرم، هویت فرهنگی.

**مقدمه**

امروزه كمتر كسي در اين گزاره شك مي‏كند كه جهان وارد عصر تازه‏اي شده كه نماد آن اهميت يافتن اطلاعات است. بسياري از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعي بر اين باورند كه تركيب و همگراييِ فناوري‏هاي ارتباطي و تجديد ساختار نظام سرمايه‏داري در دهه‏هاي اخير ما را وارد عصر و جامعه تازه‏اي كرده است. "دانيل بل" آن را جامعه فراصنعتي، "امانوئل كاستلز" جامعه شبكه‏اي و "تادائو اومه سائو" آن را جامعه اطلاعاتي ناميده‌اند. جامعه اطلاعاتي را جامعه‏اي مي‏دانند كه در آن دسترسي به اطلاعات، افزايش يافته و اطلاعات اهميت زيادي در زندگي روزمره پيدا كرده و سبب تغييراتي در ساختارهاي شغلي شده است. به سبب گسترش دامنه تأثير رسانه‏هاي جمعي، به‌ويژه ماهواره و اينترنت و ساير فناوري‏هاي اطلاع‏رساني، جامعه اطلاعاتي امروزه بُعدي جهاني پيدا كرده و منحصر به كشور يا كشورهاي خاصي نمي‏شود.

اقتصاد جهاني مبتني بر اطلاعات، توسعة فناوري‏هاي ديجيتالي و فشردگي زمان و مكان از ويژگي‏هاي اين عصر به‌شمار می‌ود. موتور محركه اين تحولات، انقلاب و انفجار اطلاعات و تحولات پرشتاب علمي و فناورانه بوده است. در اين فرآيند، ابتدا رايانه‏ها به جامعه راه مي‌يابند و سپس رايانه‏هاي شخصي به منازل و حوزه‏هاي خصوصي افراد و خانواده‏ها وارد مي‌شوند و بزرگراه اطلاعات را از وسط منازل عبور مي‏دهند. وصل شدن رايانه‏ها به خطوط تلفن و دسترسي آسان و به نسبت كم‏هزينه به اينترنت، افراد را به اطلاعات انبوه و جهاني متصل ساخته و اين همه، جنبه‏هاي مختلف زندگي ما را تحت تأثير قرار مي‏دهد. يكي از جنبه‏هاي مهمي كه از فناوري‌هاي اطلاعاتي و ارتباطي جامعه اطلاعاتي تأثير مي‏پذيرد، هويت است.

در نظام‌های سنتی شکل‌گیری هویت بر مبنای اطلاعات و درون‌شدهایی است که فرد از خانواده، مدرسه، گروه همسالان و دیگر عوامل مهم دریافت می‌کند. به این دلیل در طول قرون و اعصار گذشته، هویت فرهنگی و اجتماعی افراد باعث تشخص آنها شده و با بازنمایی ویژگی‌های فرهنگیِ همگن در یک چارچوب و مرزبندی معین به شکل‌گیری جوامع متمایز انجامیده است. هم‌گرایی مرزهای جغرافیایی و فرهنگی، به تنوع فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری کمک شایانی کرده و تبادلات فرهنگی رشد و بالندگیِ جوامع مختلف را تضمین کرده است. اما امروزه در جهان معاصر، رشد روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از جهات گوناگونی موجب شده است هویت فردی و فرهنگی جوامع تحت تأثیر قرار گیرد. ورود اطلاعات و درون‌شد‌های فرافرهنگی و فراملی به نظام هویتی افراد، با ایجاد تعارض در این نظام مشکلاتی را فراراه جوامع مختلف به‌ویژه جوامع سنتی و در حال توسعه قرار داده است. بهره‌جویی قدرت‌ها و کشورهای سلطه‌جو از این ابزار برای تأمین اهداف و مقاصد خود، ابعاد مسئله را گسترده‌تر کرده و نگرانی‌های عمد‌ای را در سطح جوامع مختلف برانگیخته است. آشنایی با سازو کار تأثیر این فناوری‌ها و به‌ویژه ماهواره بر نظام‌های هویتی می‌تواند نقشی مؤثر در پیشگیری از آثار و پیامدهای آنها داشته باشد(رضایی بایندر، 1381). براین اساس، مقاله حاضر می‌کوشد تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را بر هویت فرهنگی خانواده در ایران با تأکید بر مهندسی جنگ نرم از سوی دشمن مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهد.

**1- خانواده**

انسان موجودى اجتماعى است كه پيش از هر چيز به خانواده نياز دارد، چنان كه براى تحقق بخشيدن به فرايند رشد و تكامل خويش به ارتباط با ديگران نيازمند است. نوزاد انسان بيش از هر موجود ديگر نيازمند پدر و مادر و حمايت آن دو مى‌باشد و نمى‌تواند به تنهايى به زندگى ادامه دهد، با آن كه جانداران ديگر مى‌توانند پس از تولد نيازهاى اوليه خود را تا اندازه‌اى تأمين كنند. در اين مسئله گرچه نيازهاى جسمى كودك مانند غذا، لباس و مصونيت در برابر خطرها مورد نظر است، اما بُعد ديگر وجود او يعنى روان و شخصيت كودك نيز اهميت دارد، زيرا شخصيت و روحيات او نيز در اين مرحله شكل مى‌گيرد و نخستين سنگ بناى آن گذاشته مى‌شود.

 **"خانواده" را می‌توان گروهی كوچك تعریف کرد كه حد فاصل بین فرد و جامعه قرار می‌گیرد. صاحب‌نظران تعریف‌هاى متعددى براى خانواده ارائه كرده‌اند، ولى هر تعریف به بُعدى از خانواده توجه داشته است؛ از این رو، شاید مناسب‌تر باشد كه خانواده با توجه به ویژگی‌هاى اساسى آن تعریف شود:**

**الف) از عمومی‌ترین سازمان‌هاى اجتماعى است كه بر اساس ازدواج بین یك مرد و دست‌كم یك زن شكل مى‌گیرد؛**

**ب) در آن، مناسبات خونى یا اسناد یافته (پذیرش فرزند) به چشم مى‌خورد؛**

**ج) به‌طور معمول داراى نوعى اشتراك مكانى است؛ و**

**د) به‌طور معمول كاركردهاى گوناگون شخصى، جسمانى، اقتصادى، تربیتى و جز اینها را بر عهده دارد.**

**خانواده همچون آینه‌اى عناصر اصلى جامعه را دربردارد و انعكاسى از نابسامانی‌هاى اجتماعى است. در عین حال، تأثیرپذیرى شدیدى از جامعه دارد و مى‌توان گفت: جامعه سالم تنها در پرتو خانواده سالم ممكن است**(ساروخانى، 1381، ص136).

**1-1- کارکردهای خانواده**

نخستین وظیفه هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس مرد و زن بر پایه‌های مناسب آن است. انسانی‌ترین عمل تنظیم این روابط، همان ازدواج است که می‌توان آن را انتخاب زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده تعریف کرد. خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی برای تأمین اساسی‌ترین نیازهای انسان و جامعه نهادینه شده است. خانواده پایه و اساس اجتماع و سلول سازنده زندگی است و در وسیع‌ترین مفهوم کلمه، خاستگاه اعضای خویش در پناهگاه آنان است. این نهاد به اعضای خود احساس آرامش و امنیت بخشیده و در تمام طول تاریخ و در تمام جوامع وجود داشته است، بنابراین یک پدیده تامّ و عام اجتماعی به‌شمار می‌رود، اصول و ضوابط حاکم بر آن نیز با توجه به فطرت انسان و شرایط جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی به صورت نهادی تنظیم و تدوین شده است، بنابراین با توجه به جایگاه با اهمیت نهاد خانواده ضرورت تحقیق و پژوهش در بخش‌های مختلف این نهاد از جمله ازدواج، خویشاوندی، طلاق، ساختار و کارکرد آنها در ارتباط با تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه امری ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد. اگر چه قدمت خانواده به پیدایش انسان می‌رسد، اما مهم‌ترین کارکرد اساسی خانواده یعنی ادامه نسل انسان به وسیله ازدواج فراهم می‌گردد و از آنجا که ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است، بنابراین ازدواج مقدم بر خانواده بوده و مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر دارای ضوابط و اصول و هنجارهای معینی می‌باشد. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی و زیستی و فرهنگی مربوط به انسان و جامعه، ازدواج می‌باشد، زیرا که تغییرات حاصل در ازدواج سبب تغییر و دگرگونی در شکل و کارکرد خانواده در دوران‌های مختلف تاریخی شده است. در این دوران، خانواده در روابط درونی و بیرونی از جهات مختلف دستخوش تغییر شده، دگرگونی‌های زیادی پیدا کرده است. برخی از پژوهشگران با توجه به مسائل و عوارض کنونی آن، خانواده را نهادی رو به ضعف و حتی رو به زوال می‌پندارند و عقیده دارند که یکایک وظایف و کارکردهای خانواده به تدریج به کل جامعه و به دیگر نهادهای اجتماعی منتقل می‌شود و در نتیجه روابط حاکم عاطفی میان اعضای خانواده به‌تدریج نیز رو به سستی می‌گذارد. ولی گروهی دیگر را عقیده بر آن آست که خانوادة روزگار ما نهادی استوارتر و پیشرفته‌تر از گذشته است و برداشت‌های رایج در مورد سستی روابط خانوادگی ناشی از تصورات رؤیایی درباره گذشته و اعتقاد به این است که همه چیز در گذشته انسانی‌تر و روابط احساسی و عاطفی‌تر بوده است، حال آنکه خانواده اگر چه در طول تاریخ فرار و نشیب‌های بسیاری را از سر گذرانده و شکل‌های گوناگون یافته اما روی هم نهادی پویاست که به تناسب شرایط اجتماعی و تاریخی تحولاتی را می‌پذیرد و خود را با شرایط جدید انطباق می‌دهد و در عین حال نیز در جامعه تأثیر گذاشته و نهادهای مختلف را با خود هماهنگ و منطبق می‌سازد.

در جامعه سنتی، خانوادة گسترده حاکم بوده است که متشکل از چندین خانوادة هسته‌ای است، به این شکل که چند برادر ازدواج کرده و با والدین و خانواده‌های خود زندگی می‌کردند ولی توسعه اقتصادی و شهرنشینی موجب از هم‌گسیختگی این نوع خانواده و تبدیل آن به خانواده هسته‌ای شد. همین امر باعث شد که بسیاری از ارزش‌های خانواده شکسته شده و صورت‌های جدیدی از آن به‌وجود آید و فرزندان کیلومترها دورتر از خانواده خود زندگی کرده و بسیاری از کارکردهای خانواده را از بین ببرند به طور کلی "کارکردهای خانواده" عبارتند از:

1- تولید مثل؛

2- حمایت؛

3- اجتماعی کردن؛

4- تنظیم روابط جنسی؛

5- عاطفه و همگرایی؛

6- پایگاه اجتماعی (اعزازی، 1376، ص169).

ولی همانطور که گفته شد خانواده در جوامع جدید به دلیل صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی و تحرک جغرافیایی، برخی از کارکردهای خود را از دست داده است. از سوی دیگر با ورود رسانه به درون خانواده ارتباط خانواده‌ها روز به روز کمتر شده به طوری که در خانوادة امروزی نبودن یکی از افراد خانه کمتر احساس می‌شود و هر یک از اعضای خانواده گاه به اندازه نیم‌ساعت نیز با خانواده خود صحبت نمی‌کنند و هر کدام پس از چند دقیقه به اتاق مستقل خود رفته، در تنهایی  خود به‌سر می‌برند و این به معنای بحران عاطفی و تجزی شخصیتی است. در سوی دیگر، به جای آنکه پدر و مادر به فرزندان خود آموزش دهند این امر از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد و نقش پدر و مادر به کمترین حد خود کاهش پیدا می‌کند، و دیگر ذهن کودکان در اختیار والدین نمی‌باشد، و چه بسا روزها این آموزش از طریق مهدهای کودک انجام گیرد. بنابراین خانواده به عنوان کانون فرهنگی و اجتماعی جای خود را به کانون آموزشی می‌دهد. از سوی دیگر، بسیاری از خانواده‌ها امروزه نیز حاضر به بچه‌دار شدن نیستند و آنها خلاء عاطفی خود را از طریق پناه بردن به حیوانات به ویژه سگ پر می‌کنند. این امر بدانجا رسیده است که عده‌ای ترجیح می‌دهند با سگ دوست شوند تا با انسان. تنها چیزی که ممکن است بنیان خانواده را از هم بپاشد عدم کنترل روابط جنسی در محدوده مشخص است. سست شدن پیوند عاطفی میان زن و شوهر و رواج چندهمسری و آزادی روابط جنسی و همجنس‌بازی در خارج از محدوده خانواده در سال‌های اخیر باعث شده که خانواده جایگاه و ارزش خود را در کشورهای غربی از دست بدهد.

خانواده از دیدگاهی یک نشان یا نماد اجتماعی شمرده می‌شود و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. در یک جامعة منحط، خانواده نیز خود به خود منحط شمرده می‌شود، برعکس در جامعه سالم، سازمان‌ها، از جمله سازمان خانواده نیز از سلامت برخوردار خواهد بود. هرگز نمی‌توان انتظار داشت جامعه‌ای سالم باشد و حال آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. هیج خانواده‌ای نمی‌تواند ادعای سلامتی نماید چنانچه فرزندان ناسالم از درون آن بیرون آیند(ساروخانی، 1381، ص134). از این‌رو، ارائة تعریف دقیق از زندگی مشترک در این گونه از مفاهیم اساسی به‌شمار می‌رود. زندگی مشترک تنها در تأمین و رفع نیازهای مادی و اقتصادی و تدوام نسلی محدود نیست، بلکه حس مشارکت و تفاهم برای تأمین وسعت نگرش و امکان دستیابی به فرصت‌های بیشتر است. به بیان دیگر زندگی مشترک مبتنی بر قرارداد بین زن و مرد برای ارضاء نیازهای خود و به تبع آن انجام کارکردهای خانواده می‌باشد(ستوده، 1382، ص205).

خانواده زیربنای اصلی جامعه پایدار است و هنگامی که این زیربنا آسیب ببیند به‌طور قطع جامعه نیز متزلزل خواهد شد و دیگر نمی‌توان از جامعه سالم و پایدار سخن به میان آورد. خانواده گسسته دیگر نمی‌تواند جایگاهی مناسب برای رشد جسمی و عاطفی کودکان باشد. این خانواده به جای آموزشِ عشق و محبت و دوست داشتن به کودکان، آنها را با انواع عقده‌ها مواجه می‌کند و به جای حفظ آنها در محیط گرم و دوست داشتنیِ خانواده آنها را به محیط‌هایی رهنمون می‌سازد که به‌طور قطع آینده مناسبی را برای آنها به ارمغان نخواهد آورد.

**2-1- کارکرد تربیتی خانواده**

یکی از وظایف اساسی خانواده علاوه بر دنیا آوردن فرزندان، توجه به مسائل تربیتی آنهاست. خانواده با فراهم کردن محیط مساعد، امکانات و شرایط مناسب و نظارت بر تربیت و آموزش فرزندان چنین کارکردی را مهیا می‌سازد. در گذشته و پیش از تأسیس مکاتب و مدارس تمام وظایف تعلیمی و تربیتی و ایجاد مهارت‌های شغلی بر عهده خانواده بوده است. کودکان و نوجوانان از طریق آموزش‌های غیر رسمی و نزد پدران و مادران و افراد بزرگسال خانواده با آداب اخلاقی اجتماعی همچنین حرفه‌ها و مشاغل مختلف جامعه آشنا می‌شدند. با توجه به شرایط کنونی زندگی به‌خصوص در جوامع پیشرفته و پیچیده مقداری از این کارکرد بر عهده مهد کودک‌ها، مدارس و دیگر مؤسسات آموزشی و تربیتی گذاشته شده است. با این حال توجه به این نکته ضروریست که هیچ یک از این مؤسسات قادر نخواهند بود تأثیرات خانواده را به صورتی کامل انجام دهند. بر این اساس ضروریست خانواده‌ها سهم خود را در این وظیفه بخوبی رعایت نموده و بر اهمیت آن اذعان داشته باشند(تارنمای دانش‌نامه رشد).

از سوی دیگر، با وجود اینکه خانواده به عنوان کوچک‌ترین و ابتدایی‌ترین نهاد اجتماعی عنوان می‌شود، در صورت توجه به آن می‌توان فهمید که این نهاد کوچک نیز پیچیدگی‌ها و کارکردهای خود را دارد. بنابراین، شناخت و توجه به این کارکردها مورد توجه صاحب‌نظران است. از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این کارکردها می‌توان به کارکرد تربیتی خانواده اشاره کرد. خانواده علاوه بر به‌دنیا آوردن فرزند، وظیفه مهم دیگری هم برعهده دارد و آن توجه به مسائل تربیتی فرزند است. از آنجا که محیط خانواده نخستین کانونی است که فرد پس از تولد در آن قرار می‌گیرد و اولین تعاملات در این محیط آغاز می‌شود، بنابراین تأثیرات فراوانی را بر فرد دارد و در حقیقت بخش بزرگی از سرنوشت انسان را بنا می‌نهد. سلامت، زندگی آینده شغلی و تحصیلی، اخلاق، شخصیت و... همه و همه در محیط خانواده در فرد تشکیل می‌شود. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که سال‌های آغازین زندگی فرد نقشی مهم در رشد شخصیت او دارد. خانواده با فراهم کردن محیطی مساعد، ایجاد شرایط مطلوب و نظارت بر تربیت و آموزش فرزندان می‌تواند این کارکرد را فراهم کند. در گذشته تمام وظایف مربوط به تعلیم و تربیت فرد همچنین آماده‌سازی او در مهارت‌های شغلی بر عهده خانواده بوده است و فرزندان با آموزش‌هایی که از پدران و مادران و افراد دیگر فرامی‌گرفتند با آداب اجتماعی و مشاغل جامعه آشنا می‌شدند، اما در حال حاضر و با دگرگونی عظیم که در زمینه صنعت، شهرنشینی و رشدیافتگی جوامع به وجود آمده است، کارکرد تربیتی خانواده کمتر شده و مقداری از این وظیفه را مهد کودک‌ها و مؤسسات آموزشی به عهده گرفته‌اند. با وجود این، باید توجه داشت که هیچ کدام از این سازمان‌ها قادر نخواهند بود مانند خانواده تأثیرات مهمی را در فرد بر جای گذارند. اسلام نیز سفارش‌های خاصی را برای تربیت فرزند در سراسر دوره کودکی و نوجوانی در اختیار خانواده قرار داده است، سفارش‌هایی مانند انتخاب اسم مناسب، شیر دادن و از شیر گرفتن، رعایت عدالت، مهرورزی و... همانگونه که امام سجاد(ع) می‌فرمایند: حق کودک تو بر تو این است که بدانی وجود او از توست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط پیدا می‌کند و باید بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول هستی که او را به بهترین وجه تربیت کنی و بر عهده توست که او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی(مکارم‌الاخلاق، ص233).

علاوه بر آن اسلام تأثیرات خانواده در تربیت فرزندان را مهم می‌داند و سلامت اجتماع را در گروی خانواده سالم تعریف می‌کند، زیرا خانواده سالم فضای امنی را برای همسر و فرزندان فراهم می‌آورد و فرزند را برای ورود به جامعه آماده می‌سازد. بنابراین عملکرد و رفتار فرد در جامعه نشان‌دهنده تربیت صحیح یا غلط آنان توسط والدین است. در صورتی که خانواده به کارکردهای اساسی خود آشنا نباشد، در عملکرد تربیتی نیز با مشکل مواجه خواهد شد و ممکن است با اقدامات و رفتارهای نادرست، آینده فرزندانش را دست‌خوش تنش‌های بسیار کند. برای نمونه، فرزندانی که عواطف و احساسات آنان توسط خانواده، در سنین کودکی تأمین نمی‌شود ممکن است مشکلاتی داشته باشند. این مشکلات که اغلب با شیطنت، دروغگویی و لجبازی‌های ساده آغاز می‌شود، در بزرگسالی ممکن است به بزهکاری و جنایت و... منتهی شود و فرد به موجودی سرکش و طغیان‌گر تبدیل گردد. سخت‌گیری و توجه‌ بیش از حد والدین یا بی‌توجهی آنان نسبت به فرزندان خود، سبب می‌شود که آنها دارای شخصیت سالمی نباشند و به دلیل اینکه افراد پیوند میان خانواده و اجتماع هستند، هرآنچه را که در خانواده آموخته‌اند، وارد اجتماع می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که اصلاح یک جامعه، در گروی اصلاح خانواده، توجه افراد به اهمیت خانواده و آموزش صحیح است.

**2- هویت فرهنگی**

هویت مجموعه‌ای از معانی است که فرد برای تعریف خود به کار می‌برد. به این ترتیب، اگر اعضای گروه روی معانی رفتارها به توافق نرسند، نمی‌توانند هویت‌های گروهیِ مطلوب خویش را ایجاد کنند(بورک، 2004). هویت یکی از مفاهیم پیچیده و مناقشه‌برانگیز در علوم انسانی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. شاید از این حیث که نمودهای گوناگون، گسترة معناییِ آن را گسترده‌تر ‌می‌سازد. بی‌تردید برای شناخت هویت فرهنگی توجه به رویکردهای متنوع در این حوزه کمک شایانی می‌کند چه اینکه هر کدام از این رهیافت‌ها بخشی از حقیقت این معنا را متجلی ساخته‌اند؛ روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، الهیات، فلسفه و غیره هر کدام از ظن خود به این پدیده توجه نموده و تعاریف گوناگونی را بر آن مبنا ارائه نموده‌اند. از سوی دیگر، هویت به عنوان پدیده‌ای که دامنة آن از خصوصی‌ترین تجلیات فردی تا عمومی‌ترین حوزه‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد، حاصل دیالکتیک خود و دیگری بوده که در میان طیفی از شبکه معنایی ذهن و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حرکتی رفت و برگشتی قرار می‌گیرد و بر این مبنا به نسبتی میان دو سر طیف دست می‌یابد؛ نسبتی که ثابت نبوده و هر آن ممکن است تغییر کند؛ تغییری که نه تنها از خود(شبکه معنایی) بلکه از دیگری(ساختار اجتماعی) نیز ناشی می‌شود. پیوند میان فرهنگ و هویت نیز متأثر از همین رابطة دیالکتیکی است تا آنجا که اغلب صاحب‌نظران برای فرهنگ به واسطة نقش ممتاز آن در نسبت میان خود و دیگری، شأن مستقلی در هویت قائل شده و هویت را نیز پدیده‌ای فرهنگی قلمداد می‌کنند. بدین معنا هویت فرهنگی در مقایسه با دیگر سطوح هویت، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد(آشنا و روحانی، 1389، ص2).

پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق است که اغلب هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ، شأن مستقلی در هویت قائل می‌شوند. از این‌رو، در ترکیب هویت فرهنگی باید به مقولة پیچیدة فرهنگ توجه بیشتری کرد. در یک تعریفِ لغت‌نامه‌ای، فرهنگ هر آن چیزی است که کسب می‌کنیم، می‌آموزیم، می‌توانیم انتقال دهیم و در یک کلام مجموعة حیات اجتماعی است که از سازمان‌های نهادی تا حیات فردی را دربر می‌گیرد(بیرو، 1370، ص77).

**3- ماهواره**

ماهواره‌ها که در ابتدا تنها کارکردی علمی و تحقیقاتی داشتند، در طی جنگ سرد و پس از آن بستری مناسب برای انتقال اطلاعات فراهم کردند؛ به‌ویژه برای امریکا که رفته‌رفته از این ابزار برای تسریع در روند جهانی شدن، ایجاد نظم به‌اصطلاح نوین جهانی و در واقع، امریکایی‌سازی جهان که مد نظر سیاستمداران این کشور بود، استفاده کرد، به‌گونه‌ای که در دهة هشتاد شاهد گسترش کارکرد ماهواره‌ها از گزارش‌های علمی نه تنها در کشور امریکا بلکه در کشورهای اروپایی بودیم. تحولات شبکه‌های ماهواره‌ای و ارسال و پخش آنها به اقصی نقاط جهان، همچنین تمهیدات لازم را برای راه‌اندازیِ آسانِ شبکه‌هایی با موضوعات مختلف و متنوع و به زبان‌های متفاوت فراهم کرد. آنچنان که طی دهة گذشته ما شاهد رشد شبکه‌های ماهواره‌ایِ فارسی‌زبان با موضوعات متنوع و مختلفی هستیم که موجبات نگرانی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران این عرصه را در داخل کشور ایران، فراهم کرده است(مهربانی‌فر و خلیل‌زاده، 1391، ص22).

از سوی دیگر، در سطح جهان ابتدا چنین به نظر می‌رسید که پیشرفت رسانه‌های ماهواره‌ای مطلقاً بی‌قید و شرط، پدیده‌ای مطلوب است و برای تحقق دهکدة جهانی ضرورت تام دارد، حال آنکه در تجربة کوتاه و چندین ساله، معلوم شد که برخی عوارض این پدیده از حیث فرهنگی آسیب‌زاست. آلوین تافلر(1990) نویسنده و منتقد اجتماعی، می‌نویسد:«فناوریِ ماهواره‌ای و دیگر رسانه‌های جدید، فرهنگ‌های ملی را از هم می‌پاشند»(تافلر، 1370، ج2، ص653) و در ادامه می‌افزاید:«این ارتباطات متقاطع به هر حال تهدیدی است برای هویت ملی که حکومت‌ها برای مقاصد شخصی خود، سعی در حفظ و انتشار آن دارند»(تافلر، 1370، ج2، ص653).

**4- هویت فرهنگی خانواده**

جهان امروز و به‌ویژه دهة اخیر را عصر ارتباطات نامیده‌‌اند و تأثیر این مفهوم را در علوم انسانی با تعابیری چون عصر دانایی، انفجار اطلاعات، انقلاب اطلاعات و ارتباطات و جامعه اطلاعاتی بیان می‌کنند. این تحولات، فعالیت‌های ارتباط جمعی و خصوصی را به هم نزدیک کرده و زمان و مکان را از یکدیگر جدا نموده‌اند. در همین زمینه "گیدنز" به جدایی زمان- مکان، "هاروی" به فشردگی زمان- مکان و "ریترز" به مفهوم غیرمکان- غیرزمان اشاره دارند. با پیشرفت این رسانه‌ها، دورة سیال و ابهام‌آمیزی از پیامدهای به‌احتمال منفی دنیای مدرن و رسانه‌های ارتباطی نوین آن برای انسان معاصر ترسیم می‌شود. به‌‌نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی از یک‌سو وحدت اجتماعی را تهدید می‌کنند و از سوی دیگر پادزهری برای تهدیداتی هستند که از طرف سایر نیروهای اجتماعی از قبیل تحرک و دگرگونی سریع، متوجه همین وحدت می‌شود(کلنر[[2]](#footnote-2)، 1955، ص32؛ ویدون[[3]](#footnote-3)، 2004، ص11؛ بارکر، 2002، ص76). به گفتة تامپسون، اگر می‌خواهیم تأثیر فرهنگی رسانه‌های جمعی در جهان معاصر را درک کنیم باید این دیدگاه را کنار بگذاریم که مواجهه با رسانه‌ها یک‌سره به ترک شیوه‌های سنتی زندگی و پذیرش شیوه‌های مدرن زندگی منجر خواهد شد؛ زیرا در نفس مواجهه با رسانه ذاتاً هیچ‌گونه رویارویی با سنت نیست. رسانه‌های ارتباطی را می‌توان نه تنها در جهت چالش و تضعیف ارزش‌ها و باورهای سنتی، بلکه به منظور گسترش و تحکیم سنت‌‌ها نیز مورد استفاده قرار داد(عریضی، 1385، ص77). به هر روی، بررسی تأثیرات و پیامدهایدمثبت یا منفی رسانه‌ها بر ارزش‌ها، باورها، فرهنگ و هویت می‌تواند اهمیت چشمگیری در شناساییِ این پدیده‌های فرامدرن و درک ابعاد مبهم و ناشناختة آن داشته باشد. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که یکی از آسیب‌های ماهواره به عنوان یک رسانه مدرن، هویت‌شکنی است. ماهواره‌ها با درنوردیدن دیوارها و مرزها و فروپاشاندن همة خطوط هوی ریشه‌دار، سامان سنتی جومع را به نفع یک نظم تازه و دهکدة جهانی، هدف می‌گیرند. در این فرایند، زمانی که هویت به مثابه یک ذخیرة تاریخی قطع شود، نظام بنیادین جامعه فروخواهد ریخت(آتون[[4]](#footnote-4)، 2001، ص98؛ گانتلت[[5]](#footnote-5)، 2002، ص39؛ بارکر[[6]](#footnote-6)، 2002، ص187). امروزه، استفاده از ماهواره باعث شده حجم وسیعی از برنامه‌های برون‌مرزی و فراسنتی به فضای فکری جوامع وارد شده و بر ابعاد مختلف زنگی فردی و اجتماعی و جمعی تأثیر بگذارد. یکی از این ابعاد مهم، هویت فرهنگی است. منظور از هویت فرهنگی آن درایتی از خویشتن است که مشتق از عضویت(چه رسمی و چه غیر رسمی) در یک گروه اجتماعی بر مبنای انتقال و پرورش دانش، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها و شیوه‌های زندگی معین مشترکی بین اعضاست(دافنی[[7]](#footnote-7) ، 2007، ص352، هال[[8]](#footnote-8) و همکاران، 1996؛ متیوز[[9]](#footnote-9) ، 2000).

**6- ماهواره و هویت فرهنگی خانواده**

هويت داراي ابعادي مختلف است. بعد روان‌شناختي آن كه به نام هويت شخصيتي خوانده مي‏شود و شامل تعريف فرد از ويژگي‏هاي منحصر به فرد فيزيكي و روان‌شناختي خودش است، با هويت اجتماعي تفاوت دارد. هويت اجتماعي به تعريفي كه فرد براساس تعلق و عضويت در گروه‏هاي اجتماعي از خودش مي‏كند، دلالت دارد و شامل هويت‌هاي مختلفي است. برخي از اين ابعاد هويت خانوادگي، هويت قومي و هويت ديني است.
هويت فردي از مجموع هويت شخصيتي و هويت‏هاي اجتماعي فرد تشكيل مي‏شود. در جوامع سنتي، هويت بيشتر متأثر از عوامل انتسابي، از پيش مشخص شده و ثابت است. انسان‏ها شبيه يكديگرند و انسجام بيشتري در ابعاد مختلف هويت وجود دارد. بنابراین، افراد جامعه به لحاظ هويت‏يابي چندان دچار تغيير و دگرگوني نمي‏شوند و اساساً كمتر مسئله‏اي به نام بحران هويت به وجود مي‏آيد. اما در جوامع جديد منابع هويت‏يابي متعدد و بيشتر اكتسابي است، زيرا انسان‏ها در گروه‏ها و قشرهاي اجتماعي متعددي عضو هستند. در نتیجه هويت انسان‏ها در معرض تغيير قرار می‌گیرد. اينجاست كه مسئله هويت و چالش‏هاي هويتي بروز مي‏كند.

جامعه اطلاعاتي باعث تحولات گسترده از جمله تحول در مفهوم زمان و مكان شده است. فراهم آمدن منابع و مراجع جديد، ذهنيت و هويت افراد را دچار دگرگوني كرده است و اين مسئله به منطقه يا كشوری خاص محدود نمي‏شود بلكه تمام جوامع را كم‏وبيش دربرگرفته است. جامعه ما نيز چون ديگر جوامع، در معرض تغيير و دگرگوني قرار گرفته‏ است و آثار و پيامدهاي آن را نيز تجربه مي‏كند. جوانان، مستعدترين گروهي هستند كه تحت تأثير اين تحولات قرار گرفته‌‌اند. نيازهاي گوناگون و روزافزون انسان‌ها، سبب رشد كمي و كيفي رسانه‌ها شده است. در اين ميان، پيشرفت‌هاي نامنتظره و نوين در زمينه ارتباطات، به وسيله راديو، تلويزيون، ماهواره، اينترنت و نظاير آن، دگرگوني‌هاي عميق اقتصادي و اجتماعي را به همراه آورده و اين پرسش را پيشِ روي ما نهاده است كه به منظور هم‌گام شدن با آنها و بهره‌وري مطلوب از آن‌ها، بايد چه شيوه‌ها و ابزارهايي را برگزيد تا در جامعه نيز فضايي درخور پذيرش آنها به وجود آيد. در اين گفتار، بيش‌ترين توجه به ماهواره و نقش آن در هویت فرهنگی خانواده، به‌ويژه در سال‌هاي نوجواني و جواني معطوف شده است.

ماهواره هویت‌هایی همچون ملی، مذهبی، جنسی، فرهنگی و خانوادگی را مورد تهدید قرار می‌دهد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

هویت مذهبی: در ماهواره شبکه‌هایی وجود دارند که به معرفی فرقه‌ها و مکتب‌های ضاله می‌پردازند و افراد را با آنان آشنا ساخته و به سوی خویش می‌کشانند.

هویت ملی: وجود شبکه‌های ضد انقلاب و نظام اسلامی و مخالف یکپارچگی ملی ایران در ماهواره‌ها هویت ملی افراد را مخدوش می‌کند. این شبکه‌ها با تحریک و تشویق اذهان افراد، آنان را به طرف مبارزه با نظام حاکم هدایت و به منظور تجزیة کشور و در مقابل یکدیگر قرار دادن ملیت‌های مختلف تلاش می‌کنند تا گروه‌هایی را سازماندهی کنند. این رسانه سعی می‌کند افراد را از درون تهی کند و غرور ملی را از آنها بگیرد.

هویت فرهنگی: ترویج مدها، شیوة زندگی و نیز فرهنگ جوامع غربی از مشکلاتی است که شبکه‌های ماهواره‌ای برای هویت فرهنگی مردم به وجود می‌آورند؛ همچنین شبکه‌های ماهواره‌ای می‌توانند با تبلیغ فرهنگ مدرن هویت فرهنگی یک ملت را مضمحل کنند.

هویت خانوادگی: ماهواره‌ها با پخش فیلم‌ها و سریال‌های مختلف به هویت خانوادگی افراد آسیب می‌رسانند، برای نمونه شبکه‌هایی چون "فارسی‌وان"، "من و تو"، و "زمزمه" به این امر دامن می‌زنند. همچنین وجود شبکه‌های مستهجن و نیز فیلم‌ها و تبلیغات با صحنه‌های غیراخلاقی که در بیشتر شبکه‌های ماهواره‌ای به صورت فراگیر وجود دارند، معضلات و انحرافاتی را برای هویت خانوادگی افراد ایجاد می‌کنند، معضلاتی که باعث سست شدن پیوندهای خانوادگی می‌شود و آثار آن در جامعه قابل مشاهده است(مهربانی‌فر و خلیل‌زاده، 1391، صص52 و 53).

**ماهواره و جنگ نرم**

وسعت ابعاد و زمینه‌هاى جنگ نرم سبب مى‌شود که دایره وسیعى از ابزار مدرن را در زمره ابزارهاى این جنگ بگنجانیم. به علاوه که خصلت ابتکارى و ابداعى در این جنگ سبب مى‌شود این دایره همچنان وسعت بیشترى یابد و ابزارهاى جدید و ابداعى هم به این فهرست افزوده شوند. در این میان، ماهواره امکانات بى‌نظیرى را پیشِ روى صاحبان رسانه و دولت‌ها و قدرت‌ها گذاشته است که رسانه‌هاى پیشین در تأمین آنها ناتوان بودند. شاید بتوان کارویژة ماهواره در جنگ نرم را به جهت فضاى آزاد و رها از چارچوب و قانونى که بر آن حاکم است انتشار برنامه‌ها و مطالبى دانست که مخالف و مغایر با ارزش‌ها و اصول کشور مورد هدف‌اند. در این حال، نظام سلطه با برنامه‌ریزی‌های تعریف شده، در صدد اجرای طرح‌ها و برنامه‌های خود از طریق سرمایه‌گذاری بر شبکه‌‌های ماهواره‌ای است. از این‌رو، برخی کشورها با بهره‌گیری از فناوری‌های دیداری و شنیداری همچنین تکیه بر ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی با رویکردهای اجتماعی و سیاسی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در جوامع گوناگون و به‌خصوص نسل جوان سرمایه‌گذاری می‌کنند.

با وجود اینکه رسانه‌های گروهی از جمله ماهواره‌ها، امروزه به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی مردمان جهان نقشی اساسی دارند و ماهواره، تکمیل‌کنندة نیاز فزاینده بشر برای گسترش روابط بین جوامع مختلف است، اما این فناوری مورد سوء استفاده قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که دشمنان داخلی و خارجی برای القای اهداف و پیام‌های خود، از امواج ماهواره‌ای استفاده می‌کنند و با ‌پرداختن به موضوع‌های جنبی، سطحی و حاشیه‌ای، واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دهند. رسانه‌های ارتباطی از جمله ماهواره‌ها در همه کشورها مهم‌ترین و قوی‌ترین مجاری انتقال پیام ‌به‌شمار می‌روند و در فرآیند انتقال اهداف و برنامه‌های متولیان رسانه‌ها نقشی چشمگیر ایفا می‌کنند. به دلیل تلاش وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلفی به کانون توجه افکار عمومی راه یافته‌اند. کارشناسان سیاسی، هزاره سوم میلادی را قرن ماهواره‌ها نامیده‌اند. استفاده از جریان عظیم اطلاعات و انتقال آن در گستره وسیعی از جهان به سیستم‌های ارتباطی خاصی نیاز دارد و امواج ماهواره‌ها با فناوری پیشرفته، نقشی حیاتی را در این باره ایفا می کنند. شتاب پیشرفت‌های علم و فناوری در قرن اخیر باعث از بین رفتن فاصله‌های زمانی و کاهش زمان دسترسی به اطلاعات شده است. تبعات این روند، تغییراتی اساسی در شیوه‌های دسترسی به اطلاعات عمومی و خصوصی دولت‌ها و افراد و نیز روش‌های تعلیم و تربیت به وجود آورده است. در چند سال گذشته نیز کشورهای مخالف سیاست‌ها و رویکردهای فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی، با هدف تأثیرگذاری در افکار عمومی و کانالیزه کردن آن، اقدام به راه‌اندازی و تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ایِ فارسی‌زبان با اهداف و برنامه‌های خاصی کرده‌اند. آشنایی با انواع گوناگون شبکه‌های فارسی‌زبان و شناخت مالکیت، محل پخش، تاریخ تأسیس، موضوع و هدف تبلیغاتی و خط و مشی کلی آنها می‌تواند در ارائه نمایی کلی از هر آنچه در فضای سایبری منعکس می‌شود، مؤثر باشد. در این میان، نقش جریان‌های منطقه‌ای که اقدام به راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای می‌کنند را نمی‌توان نادیده گرفت. به طور مشخص می‌توان به کانال‌هایی خبری و سیاسی در کشورهای منطقه خاورمیانه همچنین شبکه‌هایی که با موضوعات دینی و اعتقادی برنامه پخش می‌کنند، اشاره کرد.

**اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای از پخش فیلم و سریال‌های شبانه‌روزی**

ابعاد و تأثیرات کوتاه‌مدت و درازمدت ماهواره به عنوان یکی از فراگیرترین و مؤثرترین وسایل ارتباط جمعی، همیشه دارای اهمیت بوده اما با گذشت زمان و تغییرات اساسی در شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و جهان، هر روز به این ضرورت افزوده می‌شود. اگر در گذشته تنها چند شبکه ماهواره‌ایِ فارسی‌زبان مانند بی.‌بی.‌سی یا صدای امریکا با جهت‌گیری و اهداف سیاسی خاص و هدایت شده از سوی دولت‌های انگلیس و امریکا وجود داشت؛ اما در چند سال اخیر شبکه‌هایی با اهداف کاملا متفاوت مانند من و تو1 و2، فارسی وان، پی. ام. سی و... به وجود آمده‌اند و در مدت زمان بسیار محدود مخاطبان بسیاری در بین مردم و به‌ویژه کانون‌های خانوادگی به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین جنگ نرم رسانه‌ای بر ضد جامعه ایرانی در ظاهر و محتوا گسترده‌تر شده و ابعاد بسیار وسیعی پیدا کرده است. شبکه‌های کمتر سیاسی جدید بیشتر به مسائل فرهنگی - اجتماعی تکیه کرده و خانواده و روابط انسانی به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه جامعه را هدف قرار داده‌اند. برای نمونه برخی از شبکه‌های ذکر شده با پخش فیلم و سریال‌های شبانه‌روزی اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

- ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام‌گسیخته در مقابل ساختار سنتی خانواده؛

- ترویج و عادی جلوه دادن خیانت زن به همسر و البته شوهر به زن؛

- بی‌اهمیت جلوه دادن احترام به والدین؛

- عادی جلوه دادن رابطه جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج تا حد باردار شدن دختر خانواده؛

- هویت‌زدایی از مفهوم خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی مستقل و مؤثر؛

- عادی جلوه دادن سقط جنین برای دختران پیش از ازدواج به عنوان راه حلی طبیعی برای رفع دلهره‌های احتمالی در روابط جنسی دختر و پسر؛

- تعصب‌زدایی از کانون خانواده و ترویج بی‌تفاوتی نسبت به حریم خانواده؛

- ترویج مفهوم زندگی با دیگران به جای ازدواج؛

- ترویج فمینیسم و کم‌رنگ کردن نقش مرد در جامعه در حد کسی که تنها برای رفع نیازهای زن خلق شده است.

- مخدوش نمودن رابطه فرزندان پسر و دختر در خانواده؛

- افزایش تأثیرپذیری جنسی و خشونت در جوانان و نوجوانان به‌خصوص از طریق پخش موزیک‌ویدئوهایِ خاص؛ و

- پی‌ریزی و ایجاد آمادگی ذهنی تفکر شیطان‌پرستی در نوجوانان و جوانان(مهربانی‌فر و خلیل‌زاده، 1391، ص61).

در حقیقت شبکه‌های ماهواره‌ای به‌ویژه شبکه‌های فارسی‌زبان در حوزة فیلم و سریال، با به تصویر کشیدن نوع خاصی از مناسبات، روابط اجتماعی و ارزش‌ها و مناسک، الگوهای نابهنجاری را در بین خانواده‌های ایرانی رواج داده و ضد ارزش را به عنوان ارزش عرضه می‌کنند.

**تأثیرات ماهواره بر خانواده**

ماهواره، يكي از رسانه‌هاي قدرتمند ارتباط جمعي به شمار مي‌آيد. اين ابزار، به دليل ويژگي‌هاي منحصر به فرد خود، قادر است پيام‌هاي تصويري را به دورترين نقاط منتقل كند و تعداد بي‌شماري از افراد را در سراسر دنيا مورد خطاب قرار دهد. همچنان كه ماهواره مي‌تواند در هشيار كردن، اطلاع‌رساني و در حوزه پژوهش، سياست و ... نقش مهمي داشته باشد؛ برنامه‌هاي تخريبي و نابهنجاري نيز دارد؛ تا جايي كه برخي از جامعه‌شناسان و كارشناسان فرهنگي را بر آن داشته تا براي مصونيت جامعه انساني، به ويژه نهاد خانواده چاره‌انديشي كنند. بدين‌ترتيب، تأثير برنامه‌هاي اين ابزار قدرتمند بر افكار عمومي و عملكرد آن را به‌ويژه از نظر تربيتي و جامعه‌پذيري نبايد از نظر دور داشت.

از سوی دیگر، هویت یک جامعه به هسته‌های اصلی آن جامعه وابسته است که این هسته اصلی خانواده‌ها هستند. امروزه شاهد دگرگونی ارزش‌های خانواده هستیم؛ البته منظور این نیست که خانواده‌ها در حال متلاشی شدن و نابود شدن هستند، بلکه امروزه هویت خانواده‌ها به دلیل تأثیرگذاری رسانه‌ها در حال تغییر است. حقیقت خانواده کنار هم قرار گرفتن یک زن و مرد به همراه پذیرش مسئولیت زندگی و تربیت نسل بعد است. در حالی که در دنیای جدید، در عین اینکه اعضای خانواده در کنار هم قرار دارند ولی مسئولیتی جدی نسبت به یکدیگر احساس نمی‌کنند(خوشنویس، 1389). حضور رسانه‌ها به‌طور اعم و رسانه‌های ماهواره‌ای به‌طور اخص، تأثیرات بسیار عمیقی بر خانواده به عنوان گروه نخستین گذاشته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- رسانه‌ای ماهواره‌ای دیوار خانه را هر چه بیشتر نفوذپذیرتر ساخته و برنامه‌های خود را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهانی به خانواده‌ها وارد می‌کنند.

- خانواده ابعاد سنتی، ملی و تک‌ساحتیِ خود را از دست داده و چندساحتی می‌شود.

- خانواده دیگر محل استراحت نیست؛ می‌توان در آن کار کرد یا به برقراری ارتباط با دنیای خارج پرداخت؛

- طرز چیدن مبلمان و اثاثیه خانواده تحت تأثیر رسانه قرار می‌گیرد.

- معماری خانواده‌ها به دلیل حضور رسانه‌های نوین تغییر می‌یابد.

- رابطة انسان با انسان جای خود را به رابطة انسان با اشیا می‌دهد.

- در مرحله پست‌مدرن، حتی ارتباط موزاییکی افراد خانواده نیز از بین می‌رود به این صورت که هر کس به اتاق خود می‌رود و برنامه مورد علاقه خود را دریافت می‌کند. در اینجا نظریه اتمیسم و تکه‌تکه شدن خانواده‌ها مطرح می‌شود.

- از آنجا که افراد می‌توانند در زمان‌های مختلف بینندة یک برنامه باشند حتی لزوم حضور فیزیکی آنها برای دریافت برنامه در کنار یکدیگر از بین می‌رود.

- فضای عاطفی خانواده‌ کاهش می‌یابد.

- عادات خانواده تغییر می‌کند برای نمونه، ساعات غذا خوردن با رسانه‌ها تطبیق ‌می‌یابد و نوع غذا به دلیل استفادة هر چه بیشتر از شبکه‌های ماهواره‌ای تغییر کرده و ساده‌تر می‌شود.

- خانواده که در اصل گروه نخستین است، ثانوی می‌شود و این امر نتایجی از جمله بزرگی یا آگاهی زودرسِ فرزندان را به دنبال دارد.

- تفاوت بین آنچه از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای دریافت می‌شود و آنچه در زندگی واقعی وجود دارد خانواده را دچار تضاد می‌کند.

- ارزش‌های خانواده مخدوش می‌شود و در نتیجه شخصیت‌های دوگانه‌ای شکل می‌گیرد(خواجه‌نوری، 1381، صص231- 2).

- گذراندن وقت بيشتر براي تماشاي ماهواره، نشان‌دهنده علاقه كم‌تر به مطالعه است و به احتمال زياد، فرد را تنبل و از نظر رواني، منفعل بار مي‌آورد، فعاليت ذهني را كُند و روح انسان را مسخ مي‌كند.

- ماهواره، مبلّغ پرخاش‌گري و ستيزه‌جويي است. گاه نیز انسان را به ترس از خشونت واقعي مبتلا مي‌سازد؛ بدين معنا كه فرد از جنگ و مبارزة واقعي مي‌هراساند.

- تماشاي تصويرها و فيلم‌هاي مبتذل، كم كم انسان را معتاد مي‌كند، به‌گونه‌اي كه اگر فرد روزي به سراغ ماهواره و عكس‌هاي مبتذل آن نرود، در زندگي خود احساس كمبود مي‌كند و حالت كسالت به او دست مي‌دهد. تماشاي صحنه‌هاي مبتذل، ذهن و انديشة انسان را تسخير مي‌كند. فردي كه خود را به ديدن اينگونه تصويرها عادت داده است، به كار و فعاليت سازندة اقتصادي بي‌رغبت مي‌شود.

- ماهواره، موجب از بين رفتن حجاب‌هاي اخلاقي و ديني از بسياري مسائل، به‌ويژه در زمينه‌هاي جنسي و خشونت مي‌شود. در گذشته، دنياي ناشناخته و اسرارآميزِ زندگي بزرگسالان، آنها را از كودكان و نوجوانان متمايز مي‌ساخت و به عبارت ساده‌تر، اين تفكيك، بر پايه شرم استوار بود. كودكان و نوجوانان، درباره مسائل جنسي، پول، خشونت، بيماري، مرگ و نظاير آن، لب فرو مي‌بستند؛ اما به‌تدريج و با كسب آگاهي‌هاي جديد از راه ماهواره، همة آن نوع رازداري‌ها به فراموشي سپرده مي‌شود.

- بلوغ زودرس، از ديگر پي‌آمدهاي ديدن چنين تصويرهايي به‌شمار مي‌رود. به‌طور طبيعي، اگر نوجوان يا جواني كه چنين صحنه‌هايي را مي‌بيند، شرايط ازدواج و تشكيل زندگي زناشويي را نداشته باشد، خواهد كوشيد عطش كاذب خود را از راه‌هاي ديگر فرو نشاند. اينجاست كه مشكلات اخلاقي ديگري مانند روابط نادرست و... پديد مي‌آيد.

- كودكان و نوجوانان، به علت هزينه‌كردن وقت زيادي براي تماشاي برنامه‌هاي تلويزيوني و ماهواره‌اي كه تا پاسي از شب ادامه مي‌يابد، صبح‌ها با تأخير به كلاس درس مي‌آيند و خواب‌آلود هستند؛ در نتيجه، بيشتر آنان، عملكردی نامطلوب در مدرسه دارند.

البته باید توجه داشت که هر کدام از آسیب‌های یادشده، آسیب‌های کلی است که با استفاده از بیشتر شبکه‌های ماهواره‌ای ممکن است حاصل شود، اما هر شبکه ماهواره‌ای که در موضوعی خاص تأسیس می‌شود می‌تواند آسیب‌های ویژة خود را نیز داشته باشد.

به طور کلی، نقش ماهواره در تغيير ماهيت افكار عمومي پيرامون مسائل فرهنگی، سياسي و اقتصادي، قابل توجه است. تصميم‌گيري و اظهار نظر افراد در اين زمينه‌ها، برخاسته از احساسات ناشي از تبليغات است؛ زيرا تماشاي تصاوير، قدرت تفكر و تعمق را از فرد سلب مي‌كند و در عوض، روند تصميم‌گيري او را با احساسات و عواطفي كه از تماشاي تصاوير به وجود مي‌آيند، تحت تأثير قرار مي‌دهد. ماهواره، واقعيت‌ها را آن‌طور كه بايد و شايد به تصوير نمي‌كشد. گاهي، بنگاه‌هاي استعماري و.... هستند كه مسائل را بزرگ و كوچك مي‌نمايند و به افراد، مجال تأمل و تفكر و آزادي بيان جزئيات را نمي‌دهند؛ زيرا رابطه ميان ماهواره و مخاطب، رابطه‌اي يك‌سويه است و در اين فرآيندِ پيام‌رساني، تعيين نوع پيام‌ها و آگاهي‌ها، در اختيار فرستنده است و گيرنده پيام، به‌گونه‌اي خنثي و منفعل آن ‌را دريافت مي‌كند. همانگونه كه اعتياد به مواد مخدر، ويرانگر بنيادهاي اخلاقي و خانوادگي و اجتماعي است، استفاده و اعتياد به برنامه‌هاي مخرب ماهواره‌اي نيز ارزش‌هاي اخلاقي و خانوادگي و اجتماعي را به‌شدت تهديد مي‌كند و بسياري از افرادي كه زمان زيادي از شبانه‌روز را به تماشاي برنامه‌هاي ضداخلاقي ماهواره و اينترنت اختصاص مي‌دهند، به يقين، از همين راه، به انحراف‌هاي گوناگون، آلوده مي‌شوند.

**نتیجه‌‌گیری**

امروزه بر اساس اصل رقابت بين نهادها، تلويزيون ارتباطی تنگاتنگ با نظام‌هاي آموزشي و خانواده داشته و اين رسانه تلاش مي‌نمايد تا جايگاهی مهم در هدايت و كنترل افراد جامعه به‌ويژه نوجوانان و جوانان داشته باشد، بنابر این، اين رسانه مي‌تواند موجبات سعادت يا گمراهي نسل آينده را فراهم آورد كه از اين نظر ضرورت دارد برنامه‌ريزان به هماهنگي نظام آموزشي با برنامه‌هاي اين رسانه بپردازند ولي به واسطه انفجار اطلاعاتي، امواج تلويزيوني به عنوان مهمانان ناخوانده، تمامي حريم‌هاي خانوادگي را شكسته و خود را بر جامعه تحميل مي‌کنند. در ادامه برخی از راهکارهایی که توسط کارشناسان فرهنگی برای حفاظت خانواده در برابر امواج ماهواره توصیه شده، ارائه می‌شود:

- اتخاذ سياست‌هاي اقناعي و ايجاد شناخت لازم در مورد اثر سوء تماشاي برنامه‌هاي بيگانه از طريق طرح گفت و گوي جوانان همچنين همسوسازي برنامه‌هاي تلويزيون بر اساس خواسته‌هاي منطقيِ خانواده‌‌ها؛

- ايجاد تنوع و جاذبه در برنامه‌هاي تلويزيون ايران و تلاش در جهت جلوگيري از سانسور افراطي برنامه‌ها؛

- برنامه‌ريزي جدي در خصوص متنوع و پربار نمودن برنامه‌هاي تلويزيون ايران به‌ويژه در فصل تابستان با توجه به اوقات فراغت دانش‌آموزان و مساعد بودن هوا برای بهره‌بردن از برنامه‌هاي تلويزيون بيگانه؛

- از طريق آموزش‌هاي منطقي به‌ويژه با بهره‌گیری از امكانات و برنامه‌هاي آموزش و پرورش مانند آموزش خانواده شرايط براي نهادينه‌كردن ديدگاه‌ها و ارزش‌هاي مورد اجماع فراهم شود تا دست کم تفاوتی معنادار بين فرزندان خانواده‌هاي مذهبي با فرزندان خانواده‌هاي غيرمذهبي به وجود آيد؛

- بهره‌گیری از ابزارهاي غيرمستقيم و پرهيز از افراطي‌گري و حساسيت‌هاي بيش از اندازه؛

- بهره‌گیری از شخصيت‌هاي موجه در رسانه‌هاي گروهي و هماهنگي بين گفتار و كردار در زندگي فردي و اجتماعی؛

- پخش برنامه‌هاي جذاب، فيلم‌هاي سينماييِ مناسب، سانسور نكردن اخبار داخلي و خارجي، عدم شركت در درگيري‌هاي سياسي و جناحي، اتخاذ شيوه‌هاي تبليغ مناسبِ مذهبي، دعوت مخالفان و موافقان در ميزگردهاي مختلف، دوري از تظاهر به دین‌‌داری و برخورد منطقي با قضايا، و ارائه الگوهاي منطقي برای الگوپذيري جوانان

- برنامه‌سازی بر اساس نیاز مخاطب جامعه.

- تأسیس شبکه‌های خصوصی تحت نظر سازمان‌های نظارتی می‌تواند برای ایجاد رقابت و افزایش مخاطب مؤثر باشد.

- رقابت در عرصه رسانه باعث کشش و گرایش مخاطب به رسانه می‌شود، چنانچه صدا و سیما فرهنگ رسانه‌های برون‌مرزی را مغایر با اصول جامعه می‌داند باید به تولید فرهنگ در برنامه‌های خود بپردازد، به طور طبیعی زمانی که این تولید وجود ندارد تهاجم فرهنگ این رسانه‌ها روز به روز افزایش پیدا خواهد کرد.

به‌طور کلی، عواملی همچون محیط بسته، رقابتی نبودن، عمل نکردن براساس نیاز مخاطب، دروازه‌بانیِ یک‌طرفة پیام، آزاد نگذاشتن ذهن مخاطب در انتخاب و قطره‌چکانی اطلاعات به مخاطب، باعث روی‌آوردن مخاطبان به سوی رسانه‌ها و شبکه‌های برون‌مرزی و عدم استقبال از شبکه‌های داخلی می‌شود. بديهي است در مقابل هجوم فرهنگي بايد مقابله فرهنگي صورت گيرد. برنامه‌سازان فرهنگي و هنري و سازمان‌هايي مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، سازمان‌ تبليغات اسلامي، نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالي و ديگر ارگان‌هاي دولتي بايد در بخش غني‌سازي و سالم‌سازي فرهنگ سرمايه‌گذاري کنند. در مقابل تهاجم فرهنگي بايد فعاليت، برنامه‌سازي، تفريحات سالم و امکانات کافي ايجاد شود، چرا که منع و مقابله تنها راه مقابله نيست. بر این اساس، رسالت اصلي مسئولان فرهنگي، ايمن‌سازي افراد، به‌ويژه جوانان و نوجوانان در برابر هجوم بيگانگان و افزايش قدرت مقاومت آنان است. ايمن‌سازي نيز تنها با برنامه‌ريزيِ هماهنگ و درازمدت، براي فرهنگ‌سازي ديني، گسترش شناخت معارف الهي و تنومند ساختن باورهاي اصيل مذهبي در جامعه، ميسر است كه مي‌تواند با گذشت زمان، افراد جامعه را به خودآگاهي و خودباوري برساند. به ديگر سخن، نوجوانان بايد به‌گونه‌‌اي تربيت شوند كه آگاهانه و با اختيار كامل، از آلودگي و گناه بپرهيزند. از برخوردهاي فيزيكي و محدوديت‌آفريني در استفاده از ماهواره و اينترنت و.... نيز تنها بايد به عنوان برنامه تكميلي و يكي از راه‌هاي ايمن‌سازي، بهره برده شود. اگر محدوديت‌آفريني در استفاده از برنامه‌هاي ماهواره، بدون جايگزين كردن برنامه‌هاي سازنده و مورد علاقه جوانان باشد، به نتيجه نخواهد رسيد و جوانان به انحراف‌ها و مشكلات ديگري دچار خواهند شد. بنابراين، با انتخاب برنامه‌هاي مناسب يا جايگزين‌كردن فعاليت‌هاي ديگر به جاي تماشاي برنامه‌هاي ويرانگر ماهواره‌اي، مي‌توان از پيامدهاي منفي آنها پيش‌گيري كرد.

براي رشد فرهنگ اسلامي در جامعه، مي‌توان از روش‌هاي زير بهره گرفت:

1- عمل به ارزش‌هاي مكتبي و ملّي از جانب مسئولان نظام؛

2- برداشتن محدوديت‌هاي غيرضروري در زمينه‌هاي گوناگون، تا آنجا كه به رواج ضد ارزش‌ها نينجامد؛

3- تهيه فيلم‌هايي با موضوع‌هاي متناسب با تعليم و تربيت اسلام؛

4- ارائه برنامه‌هاي مناسب از تلويزيون؛

5- تهيه نوارهاي ويديويي مجاز و...؛

6- تقویت باورهای دینی در میان افراد جامعه به‌ویژه زنان و دختران؛

7- تحكیم پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده؛

8- حركت آگاهانه و صحیح مدیران فرهنگی جامعه برای كاهش تأثیرات منفی برنامه‌های ماهواره؛

9- حركت مقابله‌ایِ صدا و سیما برای ساختن و بازنمایی مجدد ارزش‌های جامعه و صیانت از حریم خانواده به منظور مقابله با آثار منفی فیلم‌های نامناسب ماهواره‌اي؛

10- آگاهی دادن به مردم نسبت به آسیب‌های ماهواره و اهداف آن؛

11- فرهنگ‌سازي؛

12- شناخت اهداف دشمن در تهاجم فرهنگي؛

13- تقويت بينش دينى و سياسى؛

14- دقت در محتوای برنامه‌هاى آموزش و پرورش كودكان، نوجوانان و جوانان؛

15- زدودن فقر اقتصادى؛

16- احياى عزت نفس؛

17- مبارزه با روحيه تجمل‌گرايى؛

18- اشباع نيازهاى طبيعى انسان از راه‌هاى مشروع؛

19- پيشگيرى از نفوذ عوامل فرهنگى دشمن؛

20- استفاده از همه ابزارهاى ممكن براى دفاع فرهنگى؛

21- تدوين معيارهاى نوين ارزيابى آثار فرهنگى؛

22- گسترش امر به معروف و نهى از منكر.

به‌یقین اگر برنامه‌های داخلی بتواند پاسخ‌گوی نیاز مردم باشد آنها به ماهواره مراجعه نخواهند کرد. رادیو و تلویزیون باید پاسخگوی نیازهای افراد باشند. غنی‌کردن برنامه‌های داخلی صدا و سیما، شناختن نیازهای افراد جامعه، تعلیم، آگاهی بخشیدن و آشنا کردن افراد از تأثیرات مخرب ماهواره توسط جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و علما بهترین راه مبارزه با ماهواره است. البته این یک نگاه روان‌شناسانه است اما وقتی صحبت از شکستن حریم‌ها و آسیب به نظام جمهوری اسلامی به میان می‌آید دولت موظف است برخوردی قانونی کند.

**منابع**

- در نسخه چاپی موجود است.

1. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه آزاد، واحد تهران- جنوب [↑](#footnote-ref-1)
2. Kellner [↑](#footnote-ref-2)
3. . Weedon [↑](#footnote-ref-3)
4. Atton [↑](#footnote-ref-4)
5. Gauntlett [↑](#footnote-ref-5)
6. Barker [↑](#footnote-ref-6)
7. Daphne [↑](#footnote-ref-7)
8. Hall [↑](#footnote-ref-8)
9. Mathews [↑](#footnote-ref-9)